



## توسعه فرهنگی بستر همه زیرساختهای توسعه

مصاحبه با دکتر احمد علی یزدان پناه استاد دانشگاه و پژوهشگر

متناوب ارتباطی، تاثیر متقابل فرهنگها را زمینه ساز خلق اندیشه ها و ارزشها و باورهای جدیدی کرده است. که این موضوع به نوبه خود بستری برای پویایی فرهنگی در جوامع بشری معرفی می گردد.

### ○ پویایی فرهنگی به چه معناست؟

نظریه پردازان بر این باورند که هویت فرهنگی قابل اندازه گیری و تحولات آن نیز قابل سنجش و بررسی است. امروزه ما شاهد برنامه ریزی محققانی در صحنه فعالیتهای اجتماعی و فرهنگی و سیاسی جوامع هستیم. اساس این برنامه ها، اصول و مبانی و خط مشی های فرهنگی است که به اهتمام دولتمردان و کارگزاران نظامهای سیاسی و حکومتی پایه ریزی می شود و برای خلق اندیشه های جدید و رهاسازی انسانها از قید و بندهای فرهنگی گذشته است. رهاسازی انسانها از باورهای به اصطلاح غلط و سوق دادن آنها به داشته ها و برداشتهای جدید را پویایی فرهنگی می نامند. به طور کلی، مشخصه های عمده ای که در غرب و شرق عالم بیان کننده شاخصهای فرهنگی جهان فعلی است، قابل اندازه گیری است. این شاخصها در سیر تکامل جامعه، تغییرات قابل مشاهده ای داشته اند. نباید از نظر دور داشت که تفاوت عمده ای بین پویایی فرهنگی و پدیده های عارضه ای وجود دارد. چرا که با جابه جایی و هجوم فرهنگی ملل مختلف نسبت به یکدیگر، عارضه های فرهنگی، هر کدام، جریانهای جدیدی بر بستر اجتماعی یکدیگر وارد می کنند که اگر در برابر آن سیاستی اتخاذ نشود، فرهنگها را دستخوش تغییرات وارداتی می کند و پویایی منطقی فرهنگی را دستخوش دگرگونیهای غیرمنطقی می سازد.

توسعه فرهنگی در جهان حاضر یکی از مهمترین راههای ایجاد توسعه پایدار و مورد توجه سیاستگذاران و برنامه ریزان کشورهاست. در ایران اسلامی اگرچه در برنامه های توسعه به موضوع فرهنگ توجه شده بود، این توجه در روح کلی تدوین برنامه های توسعه دیده نمی شد. در برنامه سوم توسعه، سعی برنامه ریزان بر این بود که فرهنگ را محور توسعه قرار دهند. اما، علی رغم ارتقای جایگاه فرهنگ در برنامه سوم، نسبت به برنامه اول و دوم، هنوز راه زیادی تا حصول این مقصود مانده است. طرح آرای صاحب نظران و متخصصان در این زمینه یکی از طرق ارائه الگوی مناسب توسعه پایدار است. از این رو، مصاحبه ای با دکتر احمد علی یزدان پناه یکی از مدیران و پژوهشگران فرهنگی کشور ترتیب داده ایم که مشروح آن در ذیل از نظر تان می گذرد.

می شوند؟

اصولاً توسعه فرهنگی ریشه در سیاستگذاری فرهنگی حکومت و مردم دارد. فرآیندی که آن را پر بار سازی فرهنگی یا غنی سازی فرهنگی می نامند. اگر همه ارزشها و روشهای فردی و اجتماعی یک جامعه را، چه آنها که به صورت آشکارا مشاهده می شود و چه آنها که پنهان است، فرهنگ آن جامعه بنامیم، این مجموعه پیچیده که شامل همه دانستیها، اعتقادات، اخلاقیات و تواناییهای انسان است سکون ندارد. موتور محرکه این تغییرات، سیاستهای فرهنگی است که اغلب، دولتها وارد جامعه می کنند و با تقابل محیطی اشکال دیگری به خود می گیرد. انسان خلاق همواره نیازمند تغییر در فرهنگ خویش است. وی تبلور هرگونه اندیشه و بهبود در زندگی مادی و غیرمادی در جامعه را تاثیرگذار بر فرهنگ خویش می داند. از این رو، دولتها سعی دارند تا با جهت گیری های اداری یا موقتی روند این تغییرات را سامان دهند و با سیاستگذاری فرهنگی، روند مناسب تغییرات و توسعه را ایجاد کنند. جدای از این روند باروری فرهنگی، وسایل ارتباط جمعی و راههای

○ جناب آقای دکتر تاکید بیش از حد بر مسائل فرهنگی از جمله چالشهای اخیر سازمانهای داخلی و بین المللی است. فکر می کنید تا چه حد این چالشها در ایران مطرح و تاثیرگذار بوده است؟

با گشایش سیاست درهای باز در جهان، پس از جنگ بین الملل دوم، همچنین پس از صدور اعلامیه حقوق بشر، فعالیتهای فرهنگی ارتقا یافت. در ایران نیز این موضوع با شروع پیشرفتهای انقلاب اسلامی و پس از موفقیتهایی که در سال ۱۳۵۷ حاصل گردید به اوج خود رسید. به طور کلی، توسعه فرهنگی نتیجه دستیابی فزاینده انسان به ارزشهای فرهنگی خود اوست که با دگرگونی این ارزشها، دگرگونی در ساختها و نهادهای فرهنگی جامعه امکان پذیر می گردد. اکثر محققان، بدون تبلور همه جانبه و چند بعدی در بطن تاریخ و فرهنگ یک جامعه، تحقق توسعه پایدار را امکان پذیر نمی دانند. از این رو، بستر همه زیرساختهای توسعه، توسعه فرهنگی قلمداد می شود.

○ صحبت از توسعه فرهنگی شد، به نظر شما چه نیروهایی در خلق این پدیده دخالت دارند یا دخالت داده

## ○ برای مطالعه و شناخت تحولات فرهنگی جامعه

چه تدابیری می‌توان اندیشید؟

به نکته مهمی اشاره کردید، اصولاً و به طور طبیعی، فرهنگهای مختلف با هم برخورد می‌کنند؛ در پاره‌ای موارد با هم ممزوج می‌شوند؛ در بعضی از موارد یکی بر دیگری غالب می‌گردد؛ یا در درازمدت ممکن است فرهنگی در برابر تهاجم و شیخون فرهنگی از بین برود. از این رو، تحولات فرهنگی را مترادف با پیدایش، زایش، حیات و ممات آن می‌دانیم. برای اندازه‌گیری این حالات از صحنه‌های مختلف فرهنگی نیز می‌توان از شاخصهایی کمک گرفت. برای تبیین موضوع به مثالی اشاره کنم. در طول دورانهای مختلف زمین‌شناسی، پدیده‌های عجیب و غریبی رخ داده است. در گوشه و کنار دنیا، نقاط خوش‌آب و هوای مدیترانه‌ای به صحاری لم یزرع تبدیل شده است و برعکس. در تابستانهای گرم و خشک، در بعضی از دورانها، برف و بارانهای دور از انتظاری باریدن گرفته است. در واقع، ضمن پایداری و تداوم نسبی و منظم دورانهای تاریخی، حیات و ممات و حالات و ویژگیهای از قبل تعریف شده زیستی، دستخوش تغییرات غیرقابل محاسبه‌ای شده است. پیدایش و مرگ حیوانات از جانوران گرفته تا آبزیان و هوازیان نیز حاکی از همین موارد مشابه تحول و تغییر در آنهاست. در جهان سیاست، اقتصاد، اجتماع و جامعه‌شناسی گروهها و قومها و ملتها نیز همواره شاهد تحولات عجیب و غریبی بوده‌ایم. بعضی از فرهنگ‌شناسان اعتقاد دارند که حیات و زوال جوامع انسانی به پویایی فرهنگها بستگی دارد. در درون فرهنگها نیز ارتباط تنگاتنگ اجزا مشهود است که حاکی از تبادلات و تحولات بیش از حد فرهنگها و تمدنها است.

## ○ صحبت از روابط تنگاتنگ اجزای فرهنگها شد. آیا

شما به برون فرهنگ اعتقاد دارید؟ اگر چنین است به نظر نمی‌رسد که همه تحولات آینده چنین نظامی قابل پیش‌بینی است؟

من عرض نکردم که تمام مؤلفه‌های فرهنگی قابل پیش‌بینی است؛ بلکه خواستم تاکید کنم که مؤلفه‌های چنین نظامی قابل اندازه‌گیری است. هر فرهنگ و تمدنی را می‌توان شبیه یک کل متشکل از اجزا به گونه‌ای یک نظام پویا در نظر گرفت. در غرب و شرق عالم نیز هیچ نظریه‌پردازی، چنین نظامی را ایستا و غیرقابل تحول نمی‌انگارد. در تعاریف هم می‌توان چنین نظامی را برای فرهنگ متصور دانست. چرا که در اغلب تعاریف، فرهنگ را یک کلیت درهم‌بافته‌ای از اجزایی نظیر دین، هنر، دانش، اخلاق، اندیشه، آداب، باورها، رسوم، صنعت، موسیقی، رفتار، احساس، حقوق، ادبیات، دانستیها، قوانین و مقررات می‌دانند. این اجزا را، هم در درون و هم در برون چنین نظامی که به نام فرهنگ به وجود آورده‌اند، دائماً با یکدیگر در حال تعامل می‌دانیم.

مدیریت نظام‌مند فرهنگی، مدیریتی است که دائماً تبادلات مابین اجزای درونی و بیرونی محیط فرهنگی را اندازه‌گیری کند و صرفاً نظاره‌گر صحنه‌ها و تماشاگر جلوه‌های آن نباشد، بلکه موجبات تبادل و تحول منطقی بین اجزا را به وجود آورد. پدیده‌های فرهنگی



**امروزه ما شاهد برنامه‌ریزی محققانی در صحنه فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی و سیاسی جوامع هستیم. اساس این برنامه‌ها، اصول و مبانی و خط‌مشی‌های فرهنگی است که به اهتمام دولتمردان و کارگزاران نظامهای سیاسی و حکومتی پایه‌ریزی می‌شود**

انسانها در حرکت منظم و دائمی است. مهم این است که این حرکت را رو به تکامل و توسعه‌ای پایدار سوق دهیم. برای برون رفت از تنگناهایی که تاکنون چنین نظاماتی را دستخوش تحولات غیرمنطقی کرده است باید چاره‌ای اندیشید. اعتقاد دارم که نگاه نظام‌مند به این پدیده پویا خصوصاً در عصر ارتباطات و اطلاعات رهگشاست. شناخت مسئله یا مسائل فرهنگی جامعه اولین گام در برنامه‌ریزی فرهنگی است؛ خصوصاً اگر بخواهیم یک برنامه بلندمدت سیاقی و کلیدی را طرح‌ریزی کنیم. به عبارت دیگر، برنامه‌ریزی راهبردی نظامهای فرهنگی مستلزم طرح مسائل راهبردی آن است. آسیب‌شناسی بافت‌های فرهنگی جامعه ایران اسلامی، موضوع جدیدی نیست. از همان روزهای پیروزی انقلاب اسلامی، افول و غروب پاره‌ای از ارزشهای فرهنگی را می‌توانستیم مشاهده کنیم. رفتار نظام‌مند اجزای فرهنگها و خرده‌فرهنگها ما را بر آن می‌دارد تا با تاملی منطقی به خلق و طراحی برنامه‌های فرهنگی جدیدی بپردازیم و بدون قضاوت دقیق درباره روابط علت و معلولی پدیده‌های فرهنگی کشور به گفتمان جدیدی روی نیاوریم. به گفته حضرت امام خمینی (ره) «فرهنگ مبدأ همه خوشبختیها و بدبختیهای ملت است. اگر فرهنگی، فرهنگ صالح باشد، جوانهای ما صحیح بار می‌آیند.» من در اینجا تاکید دارم که باید به فکر طرحها و برنامه‌ریزیهای فرهنگی بود. در صورت تعمیق و اصلاح این طرحها و برنامه‌ها، اصلاح و تحول و تنبیر و بهسازی فرهنگی امکان‌پذیر خواهد شد.

○ منظور از تعمیق فرهنگی چیست؟ چگونه می‌توان کاستیهای فرهنگی را برطرف کرد؟

اصولاً نظام فرهنگی هر جامعه‌ای متشکل از اجزای مادی و معنوی است. پاره‌ای از اجزای مادی آن مانند لباس، رنگ، زینتها، ظواهر ساختمان شهری و غیره را فرد و به تمایل خود انتخاب می‌کند. این امور، در درازمدت در عادات و رسوم جامعه جای باز می‌کنند و قسمتی از خرده‌فرهنگهای آن جامعه را تشکیل می‌دهند. اینها در پاره‌ای موارد، سریع نفوذ می‌کنند و به سرعت نیز از بین می‌روند یا منسوخ می‌گردند. به تحقیق، این بخش از فرهنگ از سایر بخشها، خصوصاً بخشهای معنوی نظام فرهنگی تقلیدی‌تر و اکتسابی‌تر است. افرادی که با تغییرات اجزای مادی فرهنگها و خرده‌فرهنگها مواجه می‌شوند، چنانچه از ثبات عقیده و استدلال راستین برخوردار نباشند، زودتر دستخوش تحول و تغییر می‌گردند. هر یک از عناصر متعدد مادی یا معنوی فرهنگ در جریان آموزشهای گوناگون از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌گردد. از این رو، فرهنگ را صرفاً مجموعه‌ای از اندیشه‌های علمی و ادبی و دانشگاهی نمی‌توان معرفی کرد که توسط فردی فرهیخته قابل انتقال باشد؛ بلکه روشی است برای رفتار با خود، با جامعه، با طبیعت و با تاریخ و میراث گذشته که در مسیر ارتباطات فردی یا گروهی تبلور و انتشار می‌یابد.

**به گفته حضرت امام خمینی (ره) «فرهنگ مبدأ همه خوشبختیها و بدبختیهای ملت است. اگر فرهنگی، فرهنگ صالح باشد، جوانهای ما صحیح بار می‌آیند»**

یک شبه دستخوش تهاجم فرهنگی نمی‌شود؛ بلکه سالیان دراز برای برهم خوردن معادلات فرهنگی جوامع فکر می‌کنند و طرحها و برنامه‌های حساب شده‌ای طراحی می‌کنند.

○ به نظر شما، آیا در برنامه‌های فرهنگی و برنامه‌ریزی فرهنگی، الگوی مناسب را می‌توان معرفی کرد؟

اولاً باید بپذیریم که نظام فرهنگی نیز نظیر نظامهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی دارای پیکره‌ای پیچیده و درهم تنیده بر بال فکر و اندیشه و عمل